

تاریخچه

نوشته: شلدون چنی

ترجمه: غلامرضا رضوی و خشورپور

تغییرات صحنه و روش‌های آرایش آن سابقه‌ای در تداوم ۲۴ قرن دارد. گفتنی است که بلندترین گام‌ها را در این مورد تئاتر مذهبی برداشته است. و این در دورانی از زندگی بشر صورت گرفته که آگاهی و دانش او از جهان و پیرامونش بالنسبه اندک بوده است.

اما در دنیای غرب، تا آنجایی که اطلاع داریم، تولد این هنر در آتن صورت گرفته است. یکی از ریشه‌های پیدایی تئاتر را در نقالی می‌توان یافت، اما سرچشمه و منبع اصلی درام، مذهب و انجام مراسم مربوط به آن است. این هنر از بطن جشن‌ها و آئین‌های مذهبی که بسیار مورد علاقه‌ی مردم سواحل مدیترانه بوده است، تولد یافته. این مردمان که حرفه‌شان کشت و پرورش تاک بود، در این حرفه‌ی مشترک عنصری برای اتحاد و هم‌بستگی یافته بودند که در پرستش و ستایش دیونیزوس (۱) تجلی می‌یافت. بدواً، تئاتر احتمالاً چیزی بیشتر از یک رقص دسته‌جمعی دایره‌وار نبوده است (ارکستر نیز از کلمه یونانی‌ای مشتق شده است که به معنای رقصیدن است) و در آن تماشاگرانی خارج از دایره‌ی رقص و در دامنه‌ی تپه‌ای به تماشا می‌ایستادند که در پائین آن حلقه‌ی رقصندگان تشکیل می‌شده است. در مرکز این حلقه میزی چوبین و کسی که نقش دیونیزوس را بازی می‌کرده قرار داشته‌اند و همین میز و همین مکان در تداوم تکاملش تبدیل به نخستین صحنه‌ی تئاتر شده است.

امتیاز دامنه‌ی تپه را برای بهتر دیدن مراسم، شاید تماشاگران به خودی خود کشف کرده باشند. بعدها شخصی که نقش دیونیزوس را در مرکز حلقه ایفاء می‌کرد، خود را به عنوان بازیگر از حلقه‌ی رقصندگان جدا ساخت و در همان مکان آلونکی بنام *skene* برای خود تدارک دید که در آن لباس‌هایش را تغییر بدهد. کمی دورتر از این حلقه‌ی رقص و در پشت آن منطقه تقدیس شده‌ی دیونیزوس قرار داشت، که در واقع معبدی بود که در آن چندتن از ریش سفیدان و اولیاء امور به

شکل دادن و ساختن صحنه‌ی اصلی و نهایی کمک میکردند .

– بسیار پیشتر از آنکه تئاتر ساختمانی ویژه‌ی خود داشته‌باشد سه‌عنصر اصلی

شکل دهنده‌ی تئاتر، که ویژگی‌های خاص تئاتر را به آن می‌بخشند در هر اجرایی وجود داشته‌است، و این سه‌عنصر عبارتند از (۲) (۳) (۴) و تنها تفاوت اینها با اشکال امروزی‌شان در این است که *skene* به‌عنوان سن نمایش، در نهایت در درون خود خلاصه و فشرده شده و تبدیل به فضای صرف و محض برای بازیگران شده‌است . در حالی که در یونان باستان نمایش به‌تمامی در درون دایره‌ی رقص *circle* *orchestra* انجام میشده‌است و اهمیتی که این دایره در یونان باستان دارا بوده‌است به اندازه اهمیتی است که صحنه و فضای بازیگری امروزه داراست . در واقع زمانی که *auditorium* شکل واقعی معماری و منظم به خود گرفت به صورت حرف *U* ساخته شد، یعنی یک نیم‌دایره با دو انتهای مطول، چرا که در این نوع تئاتر، اصولاً " صحنه در مقابل صندلی تماشاچی قرار نداشت و چون اجرا در روی یک دایره صورت میگرفت تماشاچیان برای بهتر دیدن بایستی از بالا به آن می‌نگریستند و این تنها صورت ممکن برای هر چه بهتر دیدن بازیگران در صحنه بود .

– از آنچه که به صورت نوشته‌ها و اشارات غیر مستقیم باقی مانده چنین

برمیاید که تماشاچیان از صندلی‌های چوبی غیر ثابت استفاده میکردند (چیزی شبیه به نیمکت‌هایی که امروزه در بعضی میادین ورزشی به صورت سه یا چهار طبقه دیده میشود و در زبان انگلیسی به آنها *bleachers* گفته میشود) .

– نخستین اثر و ردپای دقیق را در مورد کیفیت ساختمانی تئاتر در یونان

باستان میتوانیم دقیقاً " در سال ۵۰۰ ق م بیابیم . چرا که شواهد و مدارکی در

دست هست که نشان میدهد در سال ۴۹۹ ق م نیمکت‌های چوبی خاص تماشاگران

تئاتر در هم شکسته شده و از بین رفته‌است، و نتیجه اینکه نخستین تئاتر رسمی

تأسیس شده‌است، یعنی شاید نخستین تئاتر سنگی، حال در این زمان، در صحنه

بازیگری چه اتفاقاتی رخ داده ناشناخته‌است و بر سر همین موضوع بحث و مجادله‌ای

مفصل و پایان‌ناپذیر بین محققین در مورد کیفیت و چگونگی ساختمان و شکل صحنه

و تئاتر در قرون چهارم و پنجم ق. م در گرفته، بهر حال اکنون می توان با قاطعیت گفت: صحنه، به صورت سکوی خاص برای اجرا در این دوره وجود نداشته است. اطلاعات و دانسته‌های ما از چگونگی ساختمان و شکل تئاتر این دوره بر مبنای دانسته‌های ما از تئاتر یونان و رم در دوران‌های بعد است. با این حال بطور یقین می توان گفت، در تئاتر آن قرن چهارم در قسمت عقب دایره‌ی رقص یک سن که به طور قابل ملاحظه‌ای قطرش افزونتر از دایره‌ی مذکور بود اضافه شد، که این سن دارای دو بال جانبی بود بنام *paraskenie* که به طرف جلوی صحنه کشیده شده بودند. شکل شماره ۱ که توسط پروفیسور جیمز تورنی آلن (۵) تصویر شده است نمونه‌ی این شکل خاص تئاتر قرن چهارم ق. م یونان است. البته آثاری از چنین شکل تئاتری باقی نمانده است و شکل موجود نزدیکترین فرض به شکل حقیقی تئاتر دوره‌ی اشیل - سوفوکل و ار پیداست. همانطور که از شکل پیداست تماشاگراز بالا به دایره‌ی رقص نگاه میکرده و شکل عمومی این تئاتر شبیه معابد بوده است. - برای درک صحنه آرائی این دوران در حالت بی نقص و کاملش، خواننده بایستی مفاهیم صحنه آرائی با نقاشی و تصویرسازی یا صحنه‌های تزئین و معماری شده برای هر نمایشنامه را از ذهنش دور کند صحنه‌های این دوره، مثل اکثر دوره‌ها تا زمان شکسپیر، محلی ساده بود، به عبارت دیگر یک تئاتر آزاد بود و تغییرات صحنه و اشکال مختلف و دکورهای آن فقط با کلام شاعر یا گوینده‌ی متن در ذهن تماشاچی مجسم میگردید. محققین قرن نوزدهم قادر به تصور شکل دیگری از صحنه آرائی به جز آنچه که به صورت نقاشی زمینه و تصویرسازی در زمینه تئاتر صورت میگرفت نبودند. اینان سعی بسیار در کشف کیفیت صحنه آرائی تئاتر یونان باستان کردند و در نتیجه به اشکال عجیب و عظیم نقاشی و معماری صحنه رسیدند. قدر مسلم آنکه در تئاتر یونان باستان از پرده‌های نقاشی و تصویر و غیره استفاده نمی شده است و صحنه‌ی اجرا معمولاً بسیار ساده و زمینه‌ی صحنه نیز فاقد هرگونه دیوار بوده و تنها زمینه‌ی صحنه طبیعت و فضای باز پشت صحنه بوده است. و شکل مکان و موقع صحنه نیز فقط مطابق آنچه که راوی داستان که معمولاً سراینده‌ی اشعار آن نیز بوده است در ذهن تماشاگر مجسم میشده است. حداکثر، با مختصر

تغییری که به صورت جابه‌جایی مجسمه‌ها در صحنه صورت می‌گرفته. صحنه را تغییر میداده‌اند. آنچه که در این دوره مورد استفاده فراوان داشت منشورهای دوار *Periacti* بود که در هر بعد آن صحنه‌ای متفاوت نقش شده بود و با تغییر موضوع جهت منشور را نیز تغییر میداده‌اند تا مفهوم و شکل جدید صحنه در ذهن تماشاچی القاء شود. شرح مکانیسم این عمل محدود به نوشته‌های چندی از رومیان در قرون بعدی است.

— وسیله دیگری که در این ایام به کار گرفته میشد *Eccylema* نام دارد و عبارت بوده است از یک سکوی چرخدار و متحرک که گاه جزیی از دکور صحنه محسوب میشد و گاه وسیله‌ای جهت تعویض دکور و نیز برای ورود و خروج بعضی وسایل لازم در هنگام اجرا مثلاً "جسد یک مرده به داخل صحنه".

حاصل کلام آنکه، به طور کلی ساختمان تئاتر در این دوره از یونان باستان از سه جزء تشکیل شده بود *Auditorium-orchestra* و ساختمان سن که این قسمت اخیر توسط بازیگران تا حد امکان و لزوم آراسته میشد و نخستین گامهادر صحنه آرائی در این زمان با شکل گرفتن سن برداشته شد.

در دوره‌های بعد سن در تئاتر یونان پیشرفت کرد و ارتفاع سن از سطح زمین بالاتر رفت و شاید هم سطح فوقانی *Para skenion* بود که به عنوان سن مورد استفاده قرار گرفت و در قسمت عقب آن ساختمانی که دارای معماری نسبتاً پیشرفته‌ای بود اضافه شد. بنابراین علاوه بر دایره‌ی وسط *orchestra* که محل اجرا بود یک سن سکو مانند نیز بوجود آمد.

— در تئاتر رومی پیشرفت و تکامل همچنان ادامه داشت تا اینکه در نهایت اجرا به تمامی روی سن منتقل شد و دایره‌ی وسط یا *orchestra* تبدیل به یک نیم دایره شد و به فضای قسمت تماشاچیان افزوده شد. *auditorium* نیز به طرف صحنه رانده شد تا آنجایی که به صورت یک واحد ساختمانی با سن درآمد. در یونان باستان ساختمان صحنه حداکثر از دو اشکوب تشکیل میشد یکی ارکسترا و دیگری بالای سطحی که بعداً "تبدیل به سکوی اجرا شد در حالی که صحنه در تئاتر رومی دارای ۲ و یا حتی ۳ اشکوب بود و در بعضی نمونه‌های موجود فاصله اشکوب

اول از کف سن بین سه تا پنج فوت است. دیواره‌هایی که دارای دکورهائی بسیار و دائمی بودند در سه طرف صحنه اجرا قرار داشتند و در صحنه اجرا معمولاً ۳ در ورودی مشاهده می‌شد یکی در عقب صحنه و دوتای دیگر در دیوارهای طرفین، و چنین متداول بود که در مرکزی در ورودی یک کاخ سلطنتی باشد و درهای جانبی معمولاً درهایی جهت ورود هنرپیشه‌هایی غیر از هنرپیشه اول. و در مواردی که نمایشنامه اقتضاء میکرد در طرف چپ مخصوص ورود مسافری بود که از راه دور رسیده بود.

آثار و بقایای تئاترهای پمپی (۶) و آسپنداس (۷) برای بازسازی و تجسم شکل کامل آنها و داشتن تصور درستی از نمونه اینگونه تئاترهای رایج در روم باستان کافی است. بنظر میرسد که وجود دیوارهایی با دکورهائی دائمی در صحنه برای اجرای اکثر نمایشنامه‌ها بطوریکسان مناسب بوده و به کار گرفته می‌شده است. و در بعضی حالات برای تغییر دکور احتمالاً از وسیله‌ای شبیه به منشور دوار *periacti* استفاده می‌شده است. جدا از اینگونه نمایش‌ها و تئاتر رایج در روم باستان، رومیان بتدریج متوجه صحنه آرائی به طریق نقاشی شدند و در قرون بعد با پیشرفت هنر به تدوین مطالبی در مورد این چنین دکورهائی و نحوه‌ی استفاده از ماشین‌های مخصوص نقل و انتقال این دکورها دست زدند. به عنوان مشخصه‌ی این دوره از تئاتر روم می‌توان آن را آمیزه‌ای از مهندسی و معماری دانست. (۹)

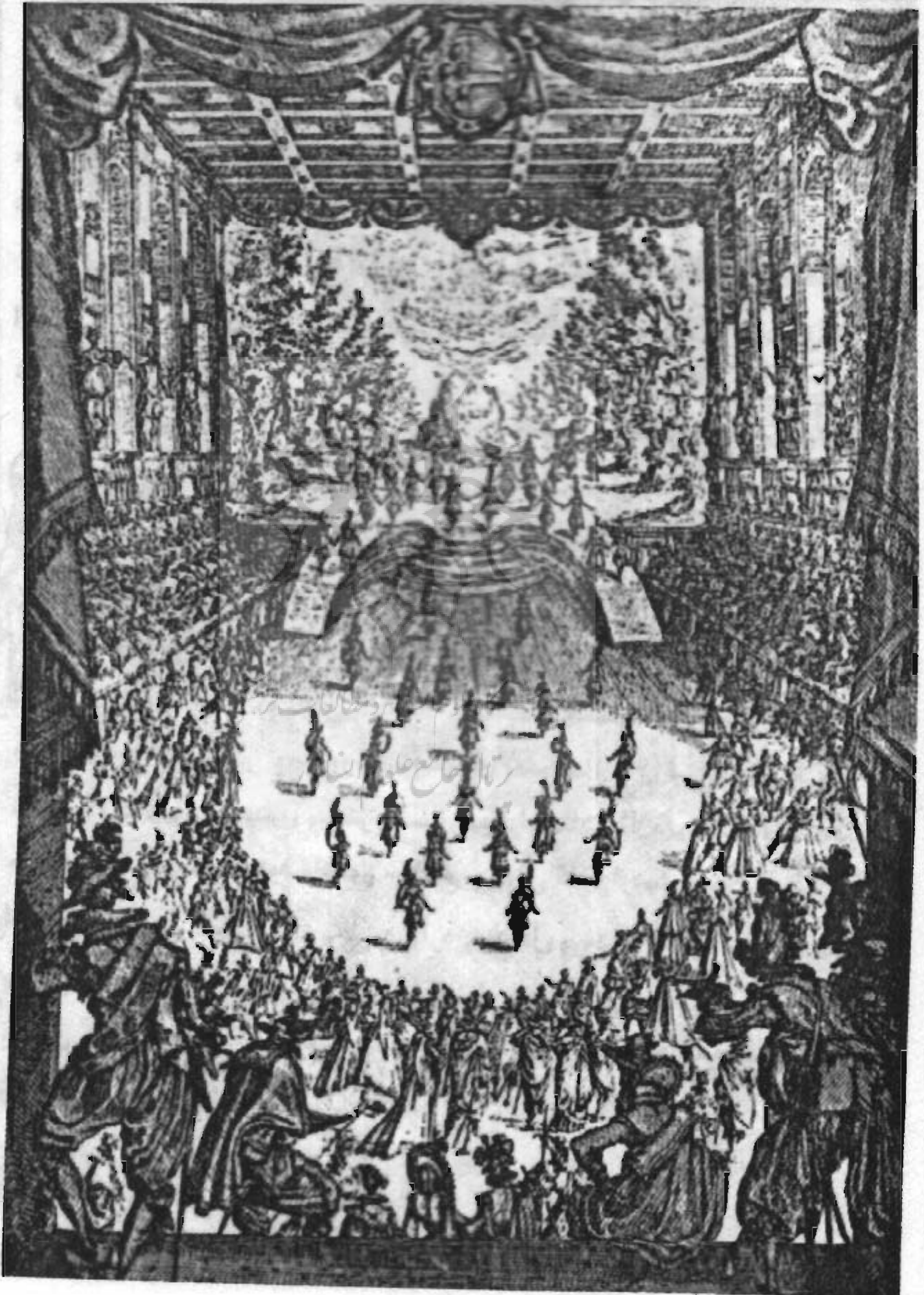
ویترو ویوس (۸) در نوشته‌هایش تحت عنوان "ده کتاب درباره‌ی معماری" در مورد طراحی تئاتر در یونان و روم باستان شرحی دارد و صحنه "آگوستن" (۱۰) و کاربرد *periacti* (منشور دوار) را چنین توصیف میکند: " (۱۱) در مرکز صحنه دو در دکورسازی شده است که شبیه درهای ورودی کاخ‌های سلطنتی است. در قسمت راست و چپ صحنه درهای اطاق مهمان‌ها قرار دارد و به علاوه جای خاصی برای دکوراسیون به چشم می‌خورد که یونانیان آنرا *Meplaktoi* مینامند، چرا که در این محل قطعات مثلثی شکلی که توسط دستگاهی به چرخش درمی‌آیند قرار دارند که دارای سه جهت هستند و در هر جهت به صورت خاصی دکوربندی شده‌اند، هنگامی که بایستی صحنه تغییر کند و یا هنگامی که یکی از خدایان

به همراه صدای رعد وارد صحنه میشود این مثلث‌ها به چرخش درمی‌آیند و دکور جدیدی را ارائه میدهند. جلوی این مکان دو بال وجود دارد که محل ورود به صحنه است یکی برای ورود از میدان شهر و دیگری خاص ورود از خارج کشور و یا شهر و نیز سه نوع صحنه‌ی تراژیک (۱۲) - کمیک (۱۳) و ساتریک (۱۴) با دکوراسیون‌هایی کاملاً متفاوت، صحنه‌ی تراژیک از ستون‌ها و مجسمه‌ها و سایر چیزهای شاهانه، صحنه‌ی کمیک از خیابانی و دوخانه با ردیف پنجره‌ها و صحنه‌ی ساتریک از درختان و کوهها و موضوعات طبیعی تشکیل شده است.

— آنچه از نوشته‌های ویترو ویوس نمایان است، این است که منشور دوار در تئاتر روم باستان کاربرد زیادی داشته، اما اینکه وی از دستگاہهای مختلف (ماشین‌ها) و کاربرد آنها در صحنه سخن می‌گوید، احتمالاً مربوط به دوران معاصر خودش بوده، ضمناً بطور مسلم در تئاتر روم از پرده در جلوی صحنه استفاده میشده است که این پرده از بالا به پایین باز میشده و در زیر سن محل مخصوص برای جمع شدن آن وجود داشته است.

هم چنان که تئاتر کلاسیک در سایه و ابهام قرون اولیه مسیحیت در اروپا فرو رفت، ساختمان‌های تئاتر نیز دچار همان وضع شده و روبه‌ویرانی رفتند، اما بدون شک تئاتر و بازیگری کمابیش به حیات خفیف خود ادامه داد و تا شکوفایی مجدد در کلیساها و سپس در دوره احیاء رنسانس ایتالیا به عنوان یک هنر ظاهر گردید. ضمن پرهیز از بیهوده‌گویی و هرز رفتن در بررسی اشکال ممکن صحنه‌آرایی در قرون بیخبری و به‌کنار نهادن موقتی تئاتر مذهبی قرون وسطایی، امیدوارم بتوانم پلی بر روی تئاتری که بر اساس احیاء سنت کلاسیک در ایتالیای قرن شانزدهم بوجود آمد بزنم، چرا که این یک حلقه‌ی رابط است بین ساختمان‌های تئاتری یونان و روم باستان و صحنه‌های امروزی. هنگامی که دربارهای کوچک و مستقل که اتحادشان امروزه ایتالیا را میسازد با وجود آمدن نهضت جدید رفته شد و در فرهنگ باستان مستحیل گردید، آکادمی‌هایی بوجود آمد که مطالعه هنرهای رومی اساس کارشان بود و بسیاری از این انجمن‌ها به آموزش و معرفی نماینده‌های کلاسیک پرداختند. در دنباله ایجاد این چنین محافلی، آکادمی

المپیک در شهر *Vicenza* در سال ۱۵۵۵ میلادی گشایش یافت و
 آرشیتکت مشهور ایتالیائی *Palladio* تئاتری بنا کرد که از آن گاه به
 عنوان تئاتر پالادین و گاه به عنوان تئاتر المپیک یاد میشود.



این تئاتر در سال ۱۵۸۴ گشایش یافت و در واقع یک تئاتر کوچک به سبک رومی بود. یک سال پس از مرگ پالادیو در سال ۱۵۸۵ نخستین صحنه‌ی ساختگی بوجود آمد که امروزه نیز در تئاتر کاربرد دارد، در این سال آرشییتکت *Scamozzi* در پشت درها و پنجره‌های صحنه پرسپکتیو *Vistas* را بوجود آورد افزودن این پرسپکتیو فضای بازی‌گری را افزایش داد و صرفاً چیزی برای زینت و آرایش صحنه و عملی نوظهور و بدیع بود. ورود پرسپکتیو به صحنه‌ی تئاتر هنر گرافیک را از تئاتر بیرون راند و از بین برد.

صحنه‌ی تئاتر *vicenza* در پهنه‌ی تئاتر ماندگار شد و به صورت فرم اولیه‌ی هر اجرا زمینه‌ی پیش ساخته‌ی تئاتر اروپا شد و به سرعت تأثیری عظیم بر تئاتر اروپایی نهاد.

Scamozzi در سال ۱۵۸۸ تئاتری در شهر *Sabbioneta* بنا کرد ولی متأسفانه سن این تئاتر نیز وسعتی بیشتر از بقیه نداشت، سن این تئاتر ترکیبی از فضای بازی مثل آنچه که در *vicenza* بوده است باضافه‌ی یک قسمت اضافی در پشت آن.

با مختصر تغییری که آنهم در کمتر شدن پرسپکتیو صحنه بود، نقشه‌ای در آکسفورد موجود است که نشان میدهد آرشییتکت انگلیسی اینگو جونز (۱۵) بعد از مسافرتش به ایتالیا در اوج دوره‌ی شکسپری یعنی سال (۱۴-۱۹۱۳) طرحی برای تئاتر با یک دیوار صحنه‌ی بیشتر و بسیار بهتر از تئاتر پالادین کشیده است در پشت صحنه یک در دیده میشود. بطور خلاصه می‌توان گفت از یک جهت صحنه مدرن و امروزی، ما حاصل گسترش تدریجی دروازه و مدخل ورودی بخش مرکزی صحنه که حاصل از احیاء صحنه‌های رومی است، دیوار صحنه‌های قدیمی و دائمی همراه با سکویی برای بازیگری که در نهایت پرده‌ای جلوی آن آویخته شده است.



1- Dionisous

2- auditorium

3- orchestra

4- skene

5- James torney Allen

6- pompeii

7- Aspendus

8- vitruvius

9- ten books on architecture

10- Augu Stan

۱۱- ترجمہ موریس مورگان : انتشارات دانشگاه ہاروارد

پروشکاد علوم انسانی و مطالعات ترکی

پرتال جامع علوم انسانی

12- tragie

13- comic

14- satyric

15- Inigo Jones